

مطالعه پدیده بی‌هنجاری دینی در بین دانشجویان دانشگاه‌های ایلام (ارائه نظریه مبنایی)

مقصود فراستخواه^۱؛ جبار رحمانی^۲؛ بهروز سپیدنامه^۳

(تاریخ دریافت ۹۶/۰۹/۰۷، تاریخ پذیرش ۹۷/۰۱/۱۵)

چکیده: دین یکی از کهن‌ترین نهادهای بشری است که به دلیل مشروعیت‌داشتن هنجارهایش انسجام‌آفرین است، اما دگرگونی‌های اجتماعی ممکن است سبب کاهش مشروعیت هنجارهای دینی در جامعه و استقرار هنجارهای جدید و خویش‌آفرین شوند که به پدیده‌ای به نام بی‌هنجاری دینی خواهد انجامید. در این مقاله، به منظور مطالعه وضعیت بی‌هنجاری دینی در بین دانشجویان دانشگاه‌های ایلام، پس از مرور مطالعات پیشین و تدوین چارچوب مفهومی در چارچوب پارادایم کیفی، سنت تفسیری و نظریه مبنایی، و با بهره‌گیری از ابزار مصاحبه نیمه‌ساختمند، داده‌های تحقیق جمع‌آوری شد. یافته‌ها نشان‌دهنده وجود پدیده بی‌هنجاری دینی در بین گروهی از دانشجویان است که شامل مراحل دین عادی، ورود به دانشگاه، تحولات زیست دانشجویی، تردید در هنجارهای دینی، بحران مشروعیت هنجارها و استقرار نظام هنجاری جدید است. دانشجویان به منظور رهایی از تعارض‌های ناشی از بی‌هنجاری دینی، به ایجاد گونه‌هایی از دین‌داری خودمرجع و خنثی‌سازی اثرهای آن اقدام می‌کنند. مقوله کانونی این مطالعه ناحتمیت دین است. در این مطالعه، الگوی پارادایمیک اخذشده از داده‌ها در چارچوب

^۱ دانشیار موسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی

^۲ استادیار انسان‌شناسی فرهنگی، پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی

^۳ دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی فرهنگی پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی وزارت علوم تحقیقات و

فناوری و عضو هیئت علمی دانشگاه ایلام (نویسنده مسئول) bsepidnameh@yahoo.com

نظریهٔ مبنایی در قالب عوامل علی، زمینه‌ای، مداخله‌ای، راهبردی و پیامدی ترسیم، توصیف و تشریح شده است.

واژگان کلیدی: دانشجویان، نظریهٔ مبنایی، بی‌هنجاری دینی، دین‌داری خودمراجع، ناحتیّت دین.

طرح مسئله

هنجار قاعده‌ای رفتاری است که مشخص می‌کند مردم در موقعیت‌های معین چگونه رفتاری باید داشته باشند. فایدهٔ هنجار این است که به بقای الگوهای روابط متقابل اجتماعی و شیوه‌های انجام امور کمک می‌کند. هنجارها از این بابت بر ارزش‌ها و نگرش‌های اجتماعی اثر می‌گذارند که تجویزکننده و درعین‌حال نهی‌کنندهٔ رفتارها هستند (محسنی، ۱۳۸۶: ۳۰). نقش هنجارها در جامعه، تنظیم نظم اجتماعی و تبعیت از آن در روابط اجتماعی است و به‌همین علت است که برای تعریف دقیق‌تر آن، برخی از جامعه‌شناسان (مانند دارندورف) از مفهوم "گرامر" یا "دستور اجتماعی"^۱ نیز استفاده کرده‌اند (همان).

به‌اعتقاد کوزر،^۲ هرگاه شیرازهٔ تنظیم‌های اجتماعی از هم گسیخته شود، نفوذ نظارت‌کنندهٔ جامعه بر گرایش‌های افراد کارایی‌اش را از دست خواهد داد و افراد جامعه به‌حال خود واگذار خواهند شد. دورکیم^۳ چنین وضعیتی را بی‌هنجاری^۴ می‌خواند. این اصطلاح به وضع بی‌ضابطگی نسبی در کل جامعه یا در برخی گروه‌های تخریب‌کنندهٔ آن راجع است. در این موقعیت، آرزوهای فردی دیگر با هنجارهای مشترک تنظیم نمی‌شوند و در نتیجه، افراد بدون راهنمای اخلاقی می‌مانند و هر کسی صرفاً هدف‌های شخصی‌اش را دنبال می‌کند (کوزر، ۱۳۷۹: ۱۹۲).

م. مک‌ایور^۵ اعتقاد دارد «آنومی عبارت از حالت ذهنی کسی است که به اخلاقیات حاکم و خاستگاه آن پشت پا زده، دیگر اعتقادی به جمع جامعهٔ خویش ندارد و خود را مجبور به تبعیت و پیروی از آن نمی‌بیند. انسان "آنومیک" از نظر ذهنی سترون می‌شود و تنها به تمایلات خود می‌پردازد و مسئولیت هیچ‌کس و هیچ‌چیز را نمی‌پذیرد» (شیخاوندی، ۱۳۷۹: ۷۵ به نقل از درز لر^۶ و همکاران، ۱۹۷۶: ۱۸۲).

1. Social Grammar
2. Lewis A. Coser
3. Emile Durkheim
4. Anomei
5. McIver
6. Dresseler

از آنجاکه بی‌هنجاری برهم‌زننده انسجام اجتماعی در جامعه است، عوامل انسجام‌بخش می‌توانند در کنترل آن ایفای نقش کنند و دین یکی از این پدیده‌ها به‌شمار می‌رود. هرچند درباب خصلت انسجام‌بخش دین دو نظر وجود دارد که اولی قائل به کارکرد انسجام‌آفرین دین است و دومی بر این باور است که دین نیز ممکن است تحت تأثیر وضعیت بی‌هنجاری (آنومیک) قرار گیرد.

از دورکیم تا مرتون^۱ و دیگر نظریه‌پردازان اجتماعی، دین همواره شاه‌کلید انسجام اجتماعی و قاعده‌مندی به‌شمار می‌رود. به‌زعم گلاک و استارک^۲ (۱۹۶۵)، دین همواره یکی از گزاره‌های اساسی جامعه‌شناسی و دارای کارکردی محوری برای تحقق انسجام اجتماعی به‌شمار رفته است. کارتر^۳ نیز بر نقش اساسی دین در کنترل بی‌هنجاری تأکید کرده است (کارتر و کارتر، ۲۰۱۴).

دین گروه اجتماعی واحدی پدید می‌آورد و آن گروه اجتماعی احساسات دینی را تقویت می‌کند (اسپیلکا و همکاران، ۱۳۹۰: ۲۶). دین می‌تواند افراد دچار ناراحتی‌های روانی را از فشارهای زندگی روزمره در امان بدارد و سنگری امن و دور از غوغا و آشوب زندگی باشد (همان، ۷۱۸). ازسوی دیگر، بحران‌های اجتماعی و اقتصادی هویت جوامع را دست‌خوش تغییرات فراوانی می‌کنند که ممکن است به بی‌هنجاری اجتماعی نیز بینجامد. پیامد این بحران نخواستی مردم در پذیرش کالاهای جدید دین است (ژاو،^۴ ۲۰۱۰: ۱۲۱۰؛ گیل،^۵ ۱۹۹۹). درنهایت، جامعه جدید به‌وسیله شیوه‌های جدید دین‌داری بسیار متمایز می‌شود که در آن افراد اجرای نظام خویش را از گستره وسیعی از نمودهای مذهبی متنوع برمی‌گزینند. درعین‌حال که نمودهای راستین سنتی از دین رسمی ممکن است در بین اجزای انتخاب‌شده باشد، عناصر دیگری هم از فرهنگ، به‌معنای عام، مثل ادبیات الهام‌بخش عامیانه، موسیقی و سرودهای عامیانه، روان‌شناسی عامیانه، طالع‌بینی و نظایر آن ممکن است برگرفته شود (میرسندسی، ۱۳۹۰: ۱۲۳).

افراد در مواردی دین را درجهت سازگاری با زندگی خویش تغییر می‌دهند. بسیاری از مردم را می‌توان مشاهده کرد که به‌راحتی مجموعه ناسازگار و ناهماهنگی از باورها و اعمال را در معرض دید می‌گذارند. همچنین، ممکن است اعضا در تشخیص و تعیین اولویت‌های خود اغلب نسبت به عناصری که مورد تأیید کمتری از سوی مدل رسمی دین‌داری قرار گرفته است بی‌توجهی کرده و حتی بر اساس برداشت خویش، که آن‌ها را کم‌اهمیت ارزیابی می‌کنند و یا ارباب دین را در این موارد فاقد تخصص کافی می‌دانند و از هنجارها عدول کنند (میرسندسی، ۱۳۸۴: ۷۴-۷۵).

1. Robert K. Merton
2. Glock & Stark
3. Carter
4. Zhao
5. Gill

این نخواستگی و نوآوری‌های دینی ممکن است به "التقاط دینی" نیز منجر شود. «التقاط دینی»^۱ به معنی آمیختگی عناصر فرهنگی ناهم‌گون، عناصر یک دین، ناشی از یک ارتباط قویاً منفی است. مفهوم التقاط دینی برای آلودگی یا بی‌اعتباری ضمنی مورد استفاده قرار می‌گیرد. نفوذ آلودگی به یک سنت دینی معروف به خالص، از طریق معانی، نمادها و اعمال مناسکی که از یک سنت مذهبی بیگانه و ناخالص به عاریت گرفته شده است» (میرسندسی، ۱۳۹۰: ۱۲۰).

تحول‌های گسترده اجتماعی در ایران بعد از انقلاب اسلامی سبب ایجاد دگرگونی‌های مختلف در نهاد‌های اجتماعی شد و نهاد دین نیز از این تحول‌ها بی‌نصیب نماند. این تغییر سبب شد تا امروزه دگرگونی گونه‌های دین‌داری یکی از موضوعات مهم جامعه‌شناسی دین به‌شمار رود و پژوهش‌های بسیاری در ایران در این زمینه انجام شود. یکی از این گونه‌ها در بین جوانان، دین‌داری بی‌هنجار یا خودمرجع یا اقتضائی است: «دین‌داری جوانان در این سنخ، بدل به امری شخصی، غیرالزم‌آور، خصوصی، سلیقه‌ای، گزینشی، مبتنی بر تعقل، خرد فردی و همراه با نپذیرفتن دگرسالاری نهاد‌های دینی شده است و به سمت امری اقتضائی و لذت‌گرایانه سیر می‌کند» (حسن‌پور و معمار، ۱۳۹۴). امروزه، در دانشگاه به‌منزله یکی از خاستگاه‌های تحول فردی و اجتماعی- شاهد تجلی دین‌داری خودمرجع هستیم. یافته‌های فراتحلیل ۵۶ تحقیق ایرانی درباب دین‌ورزی در ایران نتایج ذیل را به‌دنبال داشته است:

«برخی محققان از بررسی خود به این نتیجه رسیده‌اند که نوعی تازه از "دین‌ورزی بی‌شکل" در وضعیت دین‌داری جوانان دانشجویان دارد. محققان دیگر حتی مفهوم "خصوصی‌شدن دین" را چندان گویای واقعیت دین‌ورزی دانشجویان ندیده‌اند، بلکه این مفهوم "شخصی‌شدن دین" است که می‌تواند دین‌ورزی آنان را توضیح بدهد. تحقیقات حاکی از نوعی دین‌ورزی "بی‌شکل و شخصی‌شده و اقتضائی" در میان جوانان است که برخی از ویژگی‌های آن عبارت است از: ۱. تغییرات شایع در پایبندی به مناسک دینی جمعی، ۲. تحول در نگرش درباب رجوع به روحانیت در مسائل سیاسی-اجتماعی، ۳. اختلاف و کثرت دیدگاه‌ها درباب دین و سیاست، ۴. تحول خواهی و تکثرگرایی، ۵. کم‌رنگ‌شدن عمل به رساله درمعنای سنتی، ۶. ضرورت نقد اندیشه دینی، ۷. ضرورت بازنگری در معرفت دینی، ۸. آزادی عمل و اختیاری‌بودن دین‌داری (فراستخواه، ۱۳۸۹).

دانشگاه نیز در جایگاه یکی از کانون‌های اجتماع جوانان عرصه‌ای برای ظهور گونه‌های مختلف دین‌داری است. دانشگاه امروز عرصه تعارض‌ها و هم‌سازی‌هاست. نسل پساانقلابی دانشجویان ایرانی حامل ویژگی‌هایی است که "خلاف‌آمد عادت" (متناقض‌نما) است.

«این نسل را در سنین اولیه رشدشان می‌بینیم. بچه‌های دیجیتالی که هم‌آغوش "عدم اطمینان" در شبکه‌های اجتماعی مجازی‌اند. دانشگاهی که در برابر چشمانشان (نه در سویدای دلشان) است، درگیر دوتایی‌های عجیبی است؛ روند پولی شدن در عین تقبیح دنیا و تقدیس علم، رشد کمی تحصیلات تکمیلی در اوج مدرک‌گرایی، رشد فناوری اطلاعات و ارتباطات با محدودیت‌های زیرساختی نرم و سخت، دوتایی "زنانه‌شدن دانشگاه" با سیاست‌های جنسیتی، تکثر در گروه‌ها و کانون‌های دانشجویی، بدون ساختارهای حمایتی لازم. شاید این جمع اعداد را کمتر در جاهای دیگر بتوان یافت» (فراستخواه، ۱۳۹۶: ۳۱۳).

نکته درخور توجه آن است که محققان در گرماگرم گونه‌شناسی دین‌داری دانشجویان، به زمینه‌های تکوین این گونه‌ها توجه زیادی نکرده و اغلب به توصیف و سنخ‌شناسی دین‌داری پرداخته‌اند. دین‌داری خودمرجع، همان‌گونه که ذکر شد، اشکال یا ویژگی‌های متعددی دارد که برابند وضعیت بی‌هنجار جامعه است. این گونه از دین‌داری، حاصل کاهش مشروعیت هنجارهای دین‌داری معیار و وضع هنجارهای اقتضائی دینی است. چنین الگویی را پیشتر از این در "بی‌هنجاری اجتماعی" مشاهده کرده‌ایم و به‌استناد آن از این پدیده با نام "بی‌هنجاری دینی" یاد می‌شود. این جعل مفهوم، نظیر جعل مفاهیم بی‌هنجاری نهادی یا سیاسی صورت گرفته است.

بی‌هنجاری دینی به وضعیتی اطلاق می‌شود که در آن فرد درباره مشروعیت هنجارهای دینی تردید کرده و نقش دین معیار را در زندگی فروکاسته یا آن را مسکوت نگه‌داشته است. در این حالت، برای رهایی از تعارض، به خنثی‌سازی از طریق نظام توجیه‌های عقلی می‌پردازد. این فرایند شامل زیست دینی، تحول‌ها و تغییرات، تردید و کاهش مشروعیت هنجار دین معیار یا کنار نهادن آن است. تجربه زیسته محققان در دانشگاه‌ها و مؤسسه‌های آموزش عالی، چه در جایگاه دانشجو و چه در مقام مدرس، بر کم‌رنگ‌شدن هنجارهای دین‌داری معیار (باورها، اخلاقیات و مناسک) در ساحت زندگی دانشجویان صحنه نهاده است. پدیده‌ای که مبین کاهش مشروعیت هر کدام از ابعاد سه‌گانه یادشده در نظام معنایی آنان است. ظهور گونه‌های مختلف دین‌داری در بین دانشجویان نیز به هنجارآفرینی‌های جدید و نوحاسته اشاره دارد. این نوحاوه‌های متکثر، گواهی بر پیدایش نوعی بی‌هنجاری دینی در بین دانشجویان است که اثبات این ادعا در گرو انجام پژوهشی کیفی است. خلأ پژوهشی موجود در این زمینه نیز دلیلی برای انجام مطالعه‌ای کیفی به‌منظور درون‌فهمی بی‌هنجاری دینی در دانشگاه‌های ایلام است. مهم‌ترین پرسش‌های تحقیق عبارت‌اند از:

بی‌هنجاری دینی چیست و واجد چه خصوصیات است؟

مهم‌ترین گونه‌های دینی برخاسته از بی‌هنجاری دینی کدام‌اند؟

تجربه، تشریح و تفسیر دست اول دانشجویان از بی‌هنجاری دینی چگونه تفسیرپذیر است؟

پیشینه تحقیق

پژوهش‌های کیفی در حوزه دین‌داری جوانان ناظر بر سنخ‌های دین‌داری است، سنخ‌هایی که دامنه آنها از دین‌داری سنتی و فقه‌پرهیزی تا دین‌داری‌های خودمرجع و بی‌شکل گسترش یافته است. در این پژوهش‌ها، اشاره مستقیمی به بی‌هنجاری دینی نشده است، اما می‌توان راهبردهای این پدیده را در سنخ‌های ارائه‌شده دین‌داری مشاهده کرد (جدول ۱):

جدول ۱. خلاصه پیشینه تحقیق

محقق	سال	موضوع	جامعه هدف	نتایج
نجمه واحدی	۱۳۹۵	سنخ‌شناسی دین‌داری	ساکنان محلات ایران و اکباتان تهران	دین‌پرهیزان، دین‌ناباوران دین‌دار، تعددمحوران دین‌دار، تعددپرهیزان دین‌محور
سید ضیاء هاشمی و سارا شریفی یزدی	۱۳۹۵	تجربه زیسته دانشجویان غیرمذهبی	دانشجویان کارشناسی‌ارشد دانشگاه تهران	احساس مدارا و طردشدگی سبب تغییر عقاید شده و به اتخاذ استراتژی‌هایی همچون فاصله‌گیری، مدارای اجباری، مقابله به مثل و... منجر شده است. همچنین از پیامدهای غیرمذهبی شدن می‌توان به عدم آرامش، احساس محرومیت، خشونت، انگ‌زنی، خودسانسوری و... اشاره کرد.
آرش حسن‌پور و ثریا معمار	۱۳۹۴	دین‌داری خودمرجع	جوانان شهر اصفهان	دین‌داری جوانان در این سنخ به امری شخصی، غیرالزام‌آور، خصوصی، سلیقه‌ای، گزینشی، مبتنی بر تعقل، خرد فردی و همراه با نپذیرفتن دگرسالاری نهادهای دینی منجر شده است و به سمت امری اقتضائی و لذت‌گرایانه سیر می‌کند.
سید محمود نجاتی حسینی	۱۳۹۴	معنویت‌های جدید	-	شخصی شدن دین‌داری به جای تبعیت از دین‌داری سنتی، غلبه کثرت‌گرایی دینی، عدم اعتقاد به حقانیت منحصر به فرد دین سنتی، غلبه دین‌داری باطنی به جای دین‌داری ظاهری و شریعت‌مآب، غلبه دین‌داری‌های غیرایدئولوژیک، اعتقاد به حقانیت معارف عرفان شرقی در راستای نائل شدن به رستگاری و رهایی، استقبال از پذیرش معارف معنوی نو برای تقویت دین‌داری
مهدی عظیم	۱۳۹۱	عرفی شدن	دانشجویان دانشگاه	بالا بودن میزان عرفی شدن رفتاری و بالا بودن

محقق	سال	موضوع	جامعه هدف	نتایج
مزرچی			تبریز	میزان عرفی شدن پسران
مقصود فراستخواه	۱۳۹۱	مسئله دین‌داری	-	دین‌داری خاکستری یعنی عرفی‌تر، منعطف‌تر، مدنی‌تر، عقلانی‌تر و اخلاقی‌تر. دین شخصی و اقتضائی یا بدیل‌هایی مانند ایمان قلبی یا معنویت عرفی به جای مذهب متشرعانه. احتمال کالایی شدن دین
مقصود فراستخواه	۱۳۸۹	فراتحلیل ۵۶ تحقیق دین‌داری	-	دین‌داری اقتضائی، دین‌ورزی بی‌شکل، خصوصی شدن دین، ابراز هویت با دین‌گریزی
مقصود فراستخواه	۱۳۸۶	دین‌ورزی جوانان	جوانان تهران	دینی‌شدن، عرفی شدن و پلورالیزه شدن و دین‌داری خاکستری
شیرین غلامی‌زاده	۱۳۸۵	دین‌داری موازی	-	مؤمنان بی‌عمل، هم‌نواهای فصلی، کسانی که دین را به مثابه اخلاق می‌پندارند، بیگانه با دین
سید حسین سراج‌زاده	۱۳۸۳	دین‌داری نسل قدیم و جدید	اسنادی	جامعه ایران به سمت سکولاریزاسیون گرایش ندارد، اما خصوصی و فردی شدن دین در آن حادث شده است
ملکیان	۱۳۸۱	مشکلات دین‌داری در دنیای جدید	اسنادی	استدلال‌گری، ماتریالیسم روشی، واگذاری صحت‌وسقم مکتب به جهان دیگر، جهانی شدن متدینان
احمد غیاثوند و تقی آزاد ارمکی	۱۳۸۱	بی‌شکلی دین‌ورزی	دانشجویان دانشگاه تهران	فردی و خصوصی شدن دین، توسعه دین شخصی، توجه سلیقه‌ای به اجرای مناسک، دین‌داری قلب پاکان، گسترش انتظارات این جهانی از دین

چارچوب مفهومی

چارچوب مفهومی تحقیق شامل مفهوم بی‌هنجاری، مفهوم دین و ترکیب این دو مفهوم با یکدیگر، ذیل مفهوم بی‌هنجاری دینی است.

الف) بی‌هنجاری

بی‌هنجاری به مفهوم بی‌قانونی است (رجب‌زاده و کوثری، ۱۳۸۱). دورکیم بی‌هنجاری را نوعی بی‌قاعدگی می‌داند که در اثر خلأ اخلاقی در جامعه پدید می‌آید که برآیند انتقال سازمان اجتماعی قدیم به جدید است، بی‌آنکه "نظم جدید اخلاقی" جایگزین "اخلاق قدیمی‌ای" شود که در جریان

این انتقال برداشته شده است (کلمن،^۱ ۲۰۱۴: ۷). مرتون بی‌هنجاری را حاصل فقدان تعادل بین اهداف و وسائل رسیدن به آنها می‌داند (موسوی و همکاران، ۱۳۹۵).

ب) دین

دین یکی از مناقشه‌برانگیزترین مفاهیم است که تعریف‌های گوناگونی از آن ارائه شده است. تامسون^۲ یکی از مشهورترین تعریف‌های دین در جامعه‌شناسی را از این‌قرار می‌داند:

«دین (۱) نظامی از نمادهاست که درجهت (۲) ایجاد حالت‌ها و انگیزش‌های نیرومند، فراگیر و دیرپا در انسان‌ها (۳) از طریق تدوین مفاهیمی درباب نظام کلی جهان و وجود و (۴) پوشاندن این مفهوم‌ها با هاله‌ای از واقعیت عمل می‌کند، به‌طوری که (۵) این حالت‌ها و انگیزش‌ها به‌گونه‌ای منحصربه‌فرد و واقع‌گرایانه به‌نظر می‌رسند» (تامسون و همکاران، ۱۳۹۵: ۱۹).

از نظر نینیان اسمارت،^۳ شش ویژگی یا "بعد" کلی در تمام ادیان موجود مشترک‌اند: شعایی، اسطوره‌ای، اعتقادی، اخلاقی، اجتماعی و تجربی (پترسون و همکاران، ۱۳۸۹: ۲۰). پترسون،^۴ در طبقه‌بندی دیگری، تعریف بهتری از دین ارائه داده است: «دین متشکل از مجموعه‌ای از اعتقادات، اعمال و احساسات (فردی و جمعی) است که حول مفهوم حقیقت غایی سامان یافته است». این حقیقت را می‌توان برحسب تفاوت ادیان با یکدیگر، واحد یا متکثر، متشخص یا نامتشخص، الوهی یا غیرالوهی و نظایر آن تلقی کرد. به‌نظر می‌رسد تمام پدیده‌های فرهنگی‌ای که دین می‌نامیم در قالب این تعریف می‌گنجند (همان).

تعریف برگزیدهٔ دین در این مقاله مبتنی بر تعریف شهید مطهری است. او، نظیر بسیاری از اندیشمندان اسلامی، دین را شامل اصول عقاید، اخلاقیات و احکام دانسته است. به‌عقیدهٔ ایشان، این طبقه‌بندی به همهٔ جوانب نیازهای انسانی، اعم از دنیایی و اخروی، جسمی یا روحی، عقلی یا عاطفی و فردی یا اجتماعی، پاسخ می‌دهد (ر.ک: خدایاری‌فرد و همکاران، ۱۳۹۱: ۶۴).

ج) بی‌هنجاری دینی

مفهوم بی‌هنجاری دینی را نخستین‌بار فیلسوف فرانسوی، ژان ماری گوئی،^۵ مطرح کرد (کلمن، ۲۰۱۴: ۷). در مقالهٔ حاضر، بی‌هنجاری دینی از سازوکاری مشابه بی‌هنجاری اجتماعی پیروی می‌کند. در این سازوکار، شاهد مواجههٔ دین با نیازها و پرسش‌های جدید دانشجویان هستیم. احساس

1. Coleman
2. Thompson
3. Ninian Smart
4. Peterson
5. Jan Marie Guyau

دانشجویان مبنی بر ناتوانی دین از پاسخ به پرسش‌ها و نیازهای جدید، باعث کم‌رنگ‌شدن مشروعیت هنجارهای دینی شده و به وضع هنجارهای جدید دینی در هیئت دین‌داری‌های اقتضائی و خودمرجمی در بین دانشجویان انجامیده است.

د) تلفیق مفهومی

با توجه به فقر منابع اطلاعاتی در زمینه مفهوم بی‌هنجاری دینی، تلاش شد این مفهوم مطابق با وضعیت فعلی بازسازی^۱ شود؛ از این رو، با تلفیق آرای دورکیم (بی‌هنجاری در سطح کلان)، مرتون (بی‌هنجاری در سطح خرد)، کوهن^۲ (مراحل انقلاب علمی) و ماتزا^۳ (فنون خنثی‌سازی)، الگوی مفهومی تحقیق ترسیم شد.

انقلاب کوهنی و فنون خنثی‌سازی ماتزا، الگوی مناسبی برای شبیه‌سازی و تبیین بی‌هنجاری دینی است. انقلاب کوهنی تبیین‌کننده کاهش مشروعیت و استقرار هنجارهای جدید و فنون خنثی‌سازی ناظر بر حل تعارض‌های ناشی از استقرار هنجارهای جدید است؛ زیرا در بی‌هنجاری دینی فرد گرفتار خودسرزندی نمی‌شود. تصویر کوهن از شیوه پیشرفت علم را می‌توان از طریق طرح بی‌پایان ذیل خلاصه کرد:

پیش‌علم ◀ علم عادی ◀ بحران ◀ انقلاب ◀ علم عادی جدید ◀ بحران جدید (چالمرز،^۴ ۱۳۸۹: ۱۰۸).

کوهن اعتقاد دارد ابتدا شاهد استیلاي "علم عادی" در جامعه‌ایم. «علم عادی عبارت است از روال غالب علم که متضمن استفاده از روش‌های علمی استاندارد برای جمع‌آوری، دسته‌بندی، پردازش و کاربرد اطلاعات است. در علم عادی، غالب دانشمندان سرگرم حل مسئله، از جمله کار درباره مسائل علمی دقیق در محدوده نظریه‌های تثبیت‌شده، هستند» (سردار و آل‌احمد، ۱۳۸۵: ۵۷-۵۸). دانشمندان در طول فرایند حل‌المعمای علم عادی، ممکن است با مسائل و معماهایی روبه‌رو شوند که در برابر حل‌شدن از خود سرسختی نشان می‌دهند. آن‌ها خواهند کوشید با قواعد و ابزارهای مرسوم حل معما، آن مسائل را حل کنند و به قول کوهن هر طور شده طبیعت را به داخل جعبه‌شان [نظریه‌شان] بکوبند ولی باز ممکن است در این کار ناکام بمانند (شریف‌زاده، ۱۳۹۱).

پس از آن، در حوزه علم عادی، گاه اعوجاجاتی پدید می‌آید که انباشته می‌شوند و نهایتاً به شکل نوعی مسئله واقعی بروز می‌کنند. این عامل سبب نارضایتی از پارادایم می‌شود. این نارضایتی سبب می‌شود دانشمندان مسئله تغییر و جایگزینی چارچوب را در دستور کار خود قرار دهند (دوره

1. Reconstruction
2. Kuhn
3. Matza
4. Chalmers

بحران). اگر در این دوره جایگزینی به وجود آید که بتواند برخی از مسائل حل نشده دانشمندان جوان را حل کند، برخی از این دانشمندان جوان، الگوی جایگزین را خواهند پذیرفت و در نتیجه، دانشمندان مسن تر و محافظه کارتر به حاشیه رانده می شوند. جایگزین قوی خود به پارادایم تبدیل می شود و صورت جدیدی از علم عادی را شکل می دهد (سیسموندو،^۱ ۲۰۱۰: ۱۲). به عبارت دیگر، «بحران هنگامی مرتفع خواهد شد که پارادایم کاملاً جدیدی ظهور کند و مورد حمایت روزافزون دانشمندان واقع شود تا اینکه پارادایم مسئله انگیز اولیه نهایتاً مطرود شود. این تحول گسسته یک انقلاب علمی را تشکیل می دهد» (چالمرز، ۱۳۸۹: ۱۰۸).

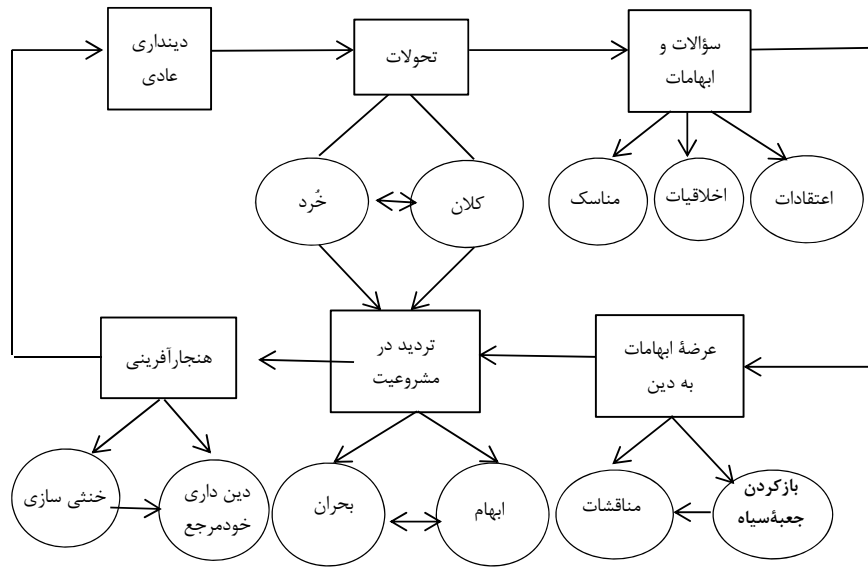
به نظر سایکرز^۲ و ماتزا،^۳ علت اینکه افراد، با وجود آگاهی از نادرستی کج رفتاری و نامقبول بودن آن در اجتماع، باز هم مرتکب اعمال انحرافی می شوند، نسبت هنجارهای اجتماعی است که بر حسب زمان، مکان و عوامل دیگر تغییرپذیرند و به همین جهت، کج رفتاران معمولاً می کوشند با انطباق وضعیت خود با وضعیتی که می توان در آن به نحوی از زیر بار مجازات شانه خالی کرد یا تخفیف گرفت، به خنثی سازی آثار کج رفتاری خود در مقابل دیگران و به خصوص عوامل اجرای قانون بپردازند. فنون خنثی سازی^۴ عبارتند از انکار مسئولیت، انکار آسیب، انکار آسیب دیده، محکوم کردن عوامل کنترل اجتماعی و اعلام تبعیت از اصول والاتر (صدیق سروستانی، ۱۳۸۶: ۶۵).

استیلای علم عادی معادل استقرار هنجارهای رایج دینی در جامعه است، هنجارهایی که می توانند به نیازها یا سؤالات متقاضیان پاسخ گویند، حالتی که در آن مشروعیت کارگزار دین برای ارائه پاسخها محرز است. در این حالت، جعبه های سیاه^۵ گشوده می شوند و مناقشه ها به وجود می آیند. منظور از جعبه سیاه اصولی است که مسلم و مفروض تلقی شده اند. در باب هنجارهای دینی ای که پیشتر از این کسی در صحت آنها تردید نکرده است، چون در معرض استفسار نبوده اند، مناقشه ای هم پدید نیامده است. بحران شامل وضعیتی است که حوزه هنجارهای رایج مستقل دینی از پاسخ به سؤالات و نیازها و مناقشه ها ناتوان می ماند. در این وضعیت، مشروعیت هنجارها دستخوش متزلزل می شود و زمینه به حاشیه رفتن آنها پدید می آید. انقلاب پارادایمی معادل کنار نهاده شدن هنجارهای مستقر دینی و استقرار هنجارهای نوپدید یا خودپدید در قالب دین داری خودمرجع و گونه های مختلف آن است.

از آنجا که هنجارهای دینی نسبت به هنجارهای علمی الفت بیشتری با نهاد انسان دارند، با بروز بحران مشروعیت، احتمال پدید آمدن تعارض های درونی برای افراد وجود دارد. نظام توجیه های افراد،

1. Sismondo
2. Gresham Saykes
3. Matza
4. Neutralization Theory
5. Black Box

در قالب فنون خنثی‌سازی، به هنجارهای جدید مشروعیت می‌دهد. از طریق خنثی‌سازی، افراد خود را با وضع جدید منطبق می‌کنند و از زیر بار مجازات شانه خالی می‌کنند. آنان با نامعتبر شمردن هنجارهای مرسوم پیشین و تقبیح عملکرد کارگزار دین، پیامدهای عاطفی را خنثی می‌کنند و از فشار آن بر خود می‌کاهند و بی‌هنجاری دینی را به مثابه کنش متعارف می‌پذیرند.



نمودار ۱. فرایند بی‌هنجاری دینی

روش‌شناسی

ماهیت تفهیمی دین‌داری و نسبت محقق با وجوه ذهنی این واقعیت ایجاد کرده که از پارادایم برساخت‌گرایی^۱ استفاده شود. بنابراین، "سنت" کلی پژوهش حاضر کیفی است که با استفاده از یکی از راهبردهای اجرای پژوهش کیفی و با توجه به نسخه استراوس^۲ و کوربین^۳ یعنی نظریه مبنایی^۴ انجام شده است.

1. Constructurari
2. Strauss
3. Corbin
4. Grounded Theory

نظریه مبنايي در ساده‌ترين شکل ممکن عبارت است از آن نظريه‌اي که مستقيماً از داده‌هاي استخراج شده است که در جريان پژوهش به‌صورت منظم گرد آمده و تحليل شده‌اند (استراوس و کوربين، ۱۳۹۲: ۳۴). در روش نظريه مبنايي، محقق پس از تبديل داده‌ها به متن، سطر به سطر آنها را مطالعه و رمزگذاري مي‌کند. حاصل اين کار ايجاد مفاهيم^۱ و مقوله‌هاي^۲ متعدد در تحقيق است. رمزگذاري داده‌ها، که براي تکوين منسجم، منظم و مشروح نظريه به‌کار مي‌رود، طی سه مرحله انجام مي‌شود: رمزگذاري باز،^۳ محوري^۴ و گزينشي.^۵ در رمزگذاري باز، تحليل‌گر به توليد مقوله‌ها و ويژگي آنها مي‌پردازد سپس مي‌کوشد معين کند آن مقوله‌ها از لحاظ ابعاد چه انواعي دارند. در رمزگذاري محوري، مقوله‌ها به صورت منظم پرورده و به زيرمقوله‌ها متصل مي‌شوند؛ اما تا وقتي مقوله‌هاي اصلي به يکديگر نپيوندند و طرح نظري بزرگ‌تري شکل ندهند، يافته‌هاي پژوهش شکل نظريه به خود نمي‌گيرند. رمزگذاري گزينشي براي يکپارچه‌سازي و پلايش مقوله‌هاست (همان: ۱۶۵) بر اساس اين رمزگذاري، پاراداييم^۶ پژوهش شکل مي‌پذيرد. اين پاراداييم در برگيرنده‌ي ابعادي چون: عوامل علي، پديده، شرايط زمينه‌اي، شرايط ميانجي، کنش يا راهبردهاي کنش و پيامدهاست. ابزار گردآوري اطلاعات در اين پژوهش، مصاحبه نيمه‌ساختمند^۷ است؛ يعني درحالي که پرسش‌هاي کلي از قبل مشخص شده‌اند، مصاحبه‌کننده در هدايت فرايند مصاحبه آزادي عمل بيشتري دارد و در مواردی که احساس مي‌کند توضيح پاسخگو کافي نيست، مي‌تواند از پاسخگو توضيح بيشتري بخواهد (ازکيا و دربان آستانه، ۱۳۸۲: ۴۸۳).

جامعه هدف شامل تمام دانشجويان دانشگاه‌هاي سطح شهر ايلام است. مصاحبه‌شوندگان از طريق نمونه‌گيري معيارمحور يا هدفمند^۸ انتخاب شده‌اند. کفايت و بسندگي مصاحبه‌ها با استناد به معيار رسيدن به نقطه اشباع^۹ انجام گرفته و شامل دو نوع است: (۱) ورودی (اشباع داده‌ها) و (۲) خروجی (اشباع نظري). معيار ورودی اين است که چه کساني حامل انواع تجربه‌هاي مرتبط با موضوع و مسئله تحقيق هستند و درباره معيار خروجی نيز بايد با نمونه‌هاي ديگر و بيشتري مصاحبه شود تا سطح اکتشاف مشخص شود و نظريه‌اي به دست آيد که ظرفيت کافي توضيح درباب موضوع و مسئله را داشته باشد (فراستخواه، ۱۳۹۵: ۱۳۶-۱۳۷). مصاحبه‌شوندگان اين پژوهش ۴۰

1. Concepts
2. Categories
3. Open Coding
4. Axial Coding
5. Selective Coding
6. Paradigm
7. Semi Structured
8. Proposed Sampling
9. Point of Saturation

نفر از دانشجویان دختر و پسر هستند که از دانشگاه ایلام، پیام‌نور، علمی و کاربردی و آزاد اسلامی و از بین رشته‌های علوم انسانی، علوم پایه، فنی و مهندسی انتخاب شده‌اند. قابلیت تصدیق^۱ اطلاعات به‌دست‌آمده از طریق حضور مستمر و مداوم محقق در میدان تحقیق، رعایت نکات پژوهشی و کنترل شخصی و موردی داده‌ها انجام گرفت. قابلیت انتقال^۲ (انتقال‌پذیری) از طریق مقارنه و مقایسه مستمر اطلاعات با اکتشاف دیگر محققان و نگارش یادداشت‌های فنی و توصیفات ژرف و فربه محقق شد.

یافته‌های تحقیق

تحلیل مصاحبه‌ها و رمزگذاری‌های سه‌گانه بر وجود بی‌هنجاری دینی در بین اطلاع‌رسان‌ها دلالت دارد. عوامل سه‌گانه (علی، زمینه‌ای و مداخله‌گر) مؤثر بر شکل‌گیری پدیده بی‌هنجاری دینی و نیز راهبردهای مشارکت‌کنندگان و پیامدهای آن تحت مطالعه قرار گرفت و یافته‌های ذیل به‌دست آمد:

۱) پدیده: بی‌هنجاری دینی

پدیده موضوع مطالعه در این مقاله بی‌هنجاری دینی است که در سطرهای پیشین به آن پرداخته شد و شامل این موارد است:

الف) مرحله زیست دینی

این مرحله معادل علم عادی در نظریه کوهن است؛ یعنی فرد در فضای دین نفس می‌کشد و مناسب خود را به‌جا می‌آورد و دین مرجع پاسخ به پرسش‌های اوست. به‌عبارت دیگر، فرد در معرض "جامعه‌پذیری دینی" قرار می‌گیرد و نهاد خانواده و مدرسه در این میان بیشترین نقش را ایفا می‌کنند. البته، این نوع جامعه‌پذیری مبتنی بر "درونی‌سازی ارزش‌ها" و ارتقای سطح دانش و آگاهی مذهبی به سطح بینش نیست.

آن‌موقع نماز می‌خواندم، اهل امام‌زمان و این‌چیزها بودم. توی کارهای مذهبی شرکت می‌کردم. برایم مهم بود که یک تار موی مرا کسی نبیند. تا اواخر دبیرستان، همیشه نماز روزه‌هایم سرچایش بود (سارا، ۲۲ ساله، کارشناسی علوم اجتماعی).

ب) تحول‌ها

تحول فرد گاه به‌صورت تدریجی از دوران دبیرستان آغاز می‌شود و در دوران دانشجویی به نقطه اوج خود می‌رسد و گاه به‌صورت دفعی در دوران دانشجویی محقق می‌شود. منشأ این تغییرات در عوامل علی، زمینه‌ای و مداخله‌ای هدف بررسی قرار گرفته است.

1. Credibility
2. Transfer Ability

قبل از ورود به دانشگاه وضع دینی‌ام تا حدودی خوب بود، ولی از وقتی آمدم دانشگاه، باورهایم تا حدی ضعیف شدند که به پوچی رسیدم و چیزی برایم اهمیت ندارد؛ یعنی احساس می‌کنم که همه چیز بی‌فایده است (رضا، ۲۳ ساله، کارشناسی ادبیات فارسی).

ج) تردید و جایگزینی

مرحله بعد از تحول، تردید و تغییر نظام ترجیحات افراد است که خود را در قالب ظهور گونه‌های مختلف دین‌داری منتج از وضعیت بی‌هنجاری نشان می‌دهد؛ نسخه‌هایی از دین‌داری که با دین‌داری معیار تفاوت فراوانی دارند. غالب این اشکال به دین‌داری خودمرجع (اقتضائی) منجر می‌شوند.

۲) عوامل و زمینه‌های علی

الف) جامعه‌پذیری دینی پیش از دانشگاه

جامعه‌پذیری دینی فرآیندی است که افراد جامعه به تدریج با باورها، اعمال، وظایف، مراسم و نمادهای دینی جامعه خود آشنایی می‌یابند و با درونی‌کردن آنها، در هیئت افراد دین‌دار ظاهر می‌شوند. این فرآیند از روز تولد تا لحظه مرگ انسان استمرار دارد، پس با توجه به برهه‌های مختلف زندگی فرد می‌توان آن را مرحله‌بندی کرد. از آنجاکه ریشه بی‌هنجاری دینی را باید پیش از ورود فرد به دانشگاه جست‌وجو کرد (دین عادی)، از جامعه‌پذیری دینی فرد پیش از ورود به دانشگاه یاد می‌شود. افراد به تقلیدی بودن آموزه‌های دینی کسب‌شده اذعان کرده‌اند.

پدر و مادر همه چیزشان سر جایش است، منتها تقلیدی است و این دین تقلیدی و شناسنامه‌ای را به فرزندان خودشان منتقل کرده‌اند. پدرم ما را به نماز خواندن و روزه گرفتن وامی‌داشت (مریم، ۲۳ ساله، کارشناسی شیمی).

اجبار مذهبی یکی از عوامل پیوستن افراد به دین و گسستن از آن است. در پس اجبار، اقناع وجود ندارد؛ بنابراین، اثر آن موقتی است و گاه باعث دل‌زدگی افراد از دین شده است: به علت کم‌رنگ شدن دین‌داری‌ام، خیلی فکر کردم، ولی به نتیجه‌ای نرسیدم. به این نتیجه رسیدم که شاید به خاطر این بوده که از همان اول سفت و سخت شروع کردم. مثلاً خسته می‌شوی ازش (اکبر، ۲۷ ساله، کارشناسی ارشد زبان انگلیسی).

ب) دیگران مهم^۱

دیگران مهم در جامعه‌شناسی، به هر فردی اطلاق می‌شود که بر خودپنداره فرد تأثیری شدید می‌گذارد (میرزایی، ۱۳۹۳: ۵۴۹). در جامعه‌شناسی از این افراد با عنوان "الگوی نقش" یا "گروه مرجع" یاد می‌شود.

در تکوین پدیده بی‌هنجاری دینی، دوستان فرد، درمقام دیگران مهم، نقش پررنگی ایفا می‌کنند. ویژگی غالب این افراد مناسک‌گریزی و استهزای مناسک‌گرایی و کنش‌های دین‌ورزانه دیگران است که زمینه‌های تردید و روی‌گردانی افراد را از کنش‌های دین‌ورزانه مهیا می‌کند.

دوستم مرا به نمازخواندن تشویق می‌کرد، نه اینکه مرا مجبور کند، پیشنهاد می‌داد، بعد من تحت تأثیر او بودم. چون نظارتی را احساس نمی‌کردم و خانواده‌ام نبودند که اگر نخوانم بهام تذکر بدهند (احمد، ۲۴ ساله، کارشناسی‌ارشد ادبیات فارسی).

دیگران مهم در تکوین بی‌هنجاری دینی نقشی متعارض دارند، هم مناسک‌گرا و هم مناسک‌گریزند. دیگران مهم از بین خویشاوندان، الگوی نقش افراد برای فراگیری مناسک و انجام‌دادن آنها قلمداد می‌شوند (پدیدآورنده وضعیت دین عادی) و دیگران مهم دوران دانشجویی (دوستان) عامل ایجاد تردید (تردیدافکنان) و دوری فرد از کنش‌های دین‌دارانه‌اند.

می‌رفتم خانه مادربزرگم، آنها جمعیتشان زیاد است. نه تا دایی دارم و پنج تا خواهر، چندتا نشان مجرد بودند. همه با هم روزه می‌گرفتند. من هم می‌رفتم آنجا روزه می‌گرفتم (سمیه، ۲۴ ساله، کارشناسی‌ارشد شیمی).

ج) عملکرد کارگزاران منتسب به نهاد دین

هر نهاد برای اجرای اهداف و مقاصد خود کارگزارانی دارد. نهاد دین نیز کارگزارانی دارد که مستقیم یا غیرمستقیم متولی سالم‌سازی معنوی جامعه، نشر و تعمیق باورهای مذهبی در افراد و جامعه هستند. روحانیان و مبلغان مذهبی کارگزارانی هستند که وظیفه ذاتی‌شان اقامه حدود الهی و نشر و ترویج معارف دینی است. مدرسان درس‌های دینی در مدرسه و دانشگاه، مصاحبه‌کنندگان گزینش و نظایر آنها، غیرمستقیم، کارگزار نهاد دین محسوب می‌شوند.

روحانیان

امروزه، روحانیان از گروه‌های بانفوذ اجتماعی به‌شمار می‌آیند و همچنان بخش بزرگی از جامعه از آنان تبعیت می‌کند، اما شواهد و آمارها نشان می‌دهد که تبعیت از آنان به شدت و گسترش پیش نیست (سام‌دلیری، ۱۳۹۴). مصاحبه‌شوندگان نیز به کم‌اهمیت بودن نقش روحانیان در جامعه اشاره کرده‌اند:

بدون نیاز به روحانیت می‌شود به خدا برسی، چرا نشود؟ روحانیت مگر چی کار می‌کنند؟ فویش چندتا کتاب بی‌اورند. کی می‌رود کتاب بخواند. فکر می‌کنی روحانیت

می‌آید چیزی می‌گوید که به نفع من باشد؟ نه، به نظر من، خیلی از آدم‌ها اعتقاداتشان از من بدتر است، خیلی هم مثل من اند (امیر، ۲۸ ساله، کارشناسی‌ارشد شیمی).
روی‌گردانی از روحانیت زمینه‌ساز ظهور گونه‌ای خاص از دین‌داری به نام دین‌داری بی‌واسطه و دین‌داری بدون نیاز به روحانیت است.

مداحان

امروزه، مداحان در جایگاه کارگزاران دین ایفای نقش می‌کنند و این سبب اعتراض بسیاری از علمای دین شده است؛ زیرا مجالس مداحی، به جای تأکید و تمرکز بر سخنرانی روحانیان، بر مداحی مداحان متمرکز است. تمرکز مداحان بر فنون مداحی و نیز ارائه مطالب غیرمستند بر میزان این اعتراض‌ها افزوده است. رویکرد سیاسی و مناسک‌پرستانه مداحان و التفات اندک به آداب مداحی، یکی دیگر از عوامل روی‌گردانی افراد از کنش‌های دین‌ورزانه است.

با دوستانم می‌رفتیم مراسم عزاداری که چیزی بخوریم و دیدی بزنیم. راستش از بس مطالب ضد و نقیض توی این مداحی‌ها شنیدیم دیگر اعتمادی برایمان باقی نمانده که کی راست می‌گوید و کی دروغ. تمام تلاششان این است که خوب بخوانند، نه اینکه حرف خوب بزنند. فقط می‌خواهند اشک مردم را در بیاورند (مبین، ۲۱ ساله، کارشناسی فیزیک).

مدرسان معارف

در نظام دانشگاهی، درس‌هایی با عنوان درس‌های عمومی برای تمام رشته‌ها تعریف شده است که تعدادی از آنها ماهیت دینی و مذهبی دارند و هدفشان افزایش سطح آگاهی مذهبی و تعمیق باورهای دینی دانشجویان است، نظیر درس اندیشه اسلامی و درس اخلاق اسلامی. مشارکت‌کنندگان این درس‌ها را ناکارآمد تلقی کرده‌اند. این ناکارآمدی شامل محتوای درس‌ها و عرضه‌کنندگان آن است. مشارکت‌کنندگان محتوای این درس‌ها را تکراری و کلیشه‌ای ارزیابی کرده و مدرسان آنها را افرادی متعصب دانسته‌اند. این موضوع باعث شده است که این درس‌ها، به جای معرفت‌افزایی و تقویت کنش‌های دینی، سبب قشری‌شدن دین و کاهش مشروعیت آن در بین گروهی از دانشجویان شود.

این درس‌ها را کی می‌خواند؟ اصلاً این کتاب‌ها را بیشتر بچه‌ها شب امتحان می‌خوانند. معمولاً بیشتر بچه‌ها فقط برای حاضری خوردن وارد کلاس می‌شوند. من و بچه‌ها این دروس را به عنوان واحد تلقی می‌کردیم و به آن به عنوان اینکه پاسخ شبهات فکری باشد نگاه نمی‌کردیم. این درس‌ها بیشتر فرمالیته و برای بالابردن سطح معدلمان بود (تینا، ۲۴ ساله، کارشناسی‌ارشد بازرگانی).
جو این کلاس‌ها طوری بود که آدم از ترس برچسب خوردن سؤالش را نمی‌پرسد. اساتیدش هم به صورت یک‌نواخت مطالب تکراری کتاب را می‌گویند و خلاقیتی توی

کارشان دیده نمی‌شود. آنها دین را طوری نشان می‌دهند که کامل است و هیچ عیب و نقصی ندارد. روی همین حساب نباید انتقادی متوجهش کرد. خلاصه از این کلاس‌ها چیزی عاید آدم نمی‌شود (حمید، ۲۵ ساله، کارشناسی حسابداری).

مصاحبه‌کنندگان

مصاحبه‌کنندگان گزینش همواره هدف غضب مردودها واقع می‌شوند و انگشت اتهام همواره به سمت این قشر نشانه می‌رود. از آنجاکه ماهیت سؤالات مصاحبه دینی و مذهبی است، رد شدن در مصاحبه به حساب مذهبی گذاشته می‌شود که بر ظلم و بی‌عدالتی استوار است.

قبل از اینکه بیایم دانشگاه، به مصاحبه تربیت‌معلم دعوت شدم. آنجا تمام سؤالات مذهبی را پاسخ دادم. اما وقتی ازم پرسید که نماز جمعه شرکت می‌کنی و راستش را بگویم که شرکت نمی‌کنم، مرا رد کردند و کسانی قبول شدند که ظاهرسازی کرده بودند و به آنها دروغ می‌گفتند. اگر تربیت‌معلم قبول می‌شدم خانواده فقیرمان نجات پیدا می‌کرد. الان از هرچه آدم مذهبی بدم می‌آید (منیژه، ۲۳ ساله، کارشناسی مدیریت).

۳) عوامل زمینه‌ای

مهم‌ترین عوامل زمینه‌ساز بی‌هنجاری دینی در بین دانشجویان عبارت‌اند از:

الف) زیست دانشجویی

زیست دانشجویی به تجربه زیسته فرد در محیط دانشگاه و خوابگاه اطلاق می‌شود و شامل سبک زندگی خوابگاهی و فضای دانشگاه است که تحت لوای استعاره "رهاشده‌گی" و "نصورت‌قالبی" قرار می‌گیرند. محیط خوابگاه ترسیم‌کننده سبک خاصی از زندگی است که با سبک زندگی در خانه تفاوت دارد. از این سبک می‌توان با عنوان "سبک زندگی خوابگاهی" یاد کرد. این سبک مختصات ویژه‌ای دارد که از حوصله این مقاله بیرون است، اما مهم‌ترین ویژگی‌ای که می‌توان به‌منزله زمینه‌ساز بی‌هنجاری دینی از آن یاد کرد حس "رهاشده‌گی" است.

افراد در محیط خانواده با نظارت والدین مواجه‌اند و همواره در برابر استفسار آنان باید درمقام پاسخگو ظاهر شوند. والدین بر نحوه اجرای مناسک فرزندان نیز نظارت دارند. هرچند این کار ممکن است به مناسک‌گرایی فرزندان منجر شود، نظمی مألوف در برگزاری مناسک ایجاد می‌کند. محیط خوابگاه فرصت تجربه زندگی مستقل است. در این زندگی مستقل، شاهد نبود نظارت والدین هستیم و همین حس رهاشده‌گی را در فرد زیاد می‌کند.

توی خانه که بودیم، پدرم ما را برای نماز صبح بیدار می‌کرد و چنانچه نمازمان به دلایلی قضا می‌شد، به‌نحوی سرزنشمان می‌کرد، اما الان تو خوابگاه کسی کاری به

کارم ندارد. روزهای اول که نماز قضا می‌شد خیلی ناراحت می‌شدم، اما بعد کم‌کم به این وضعیت عادت کردم، چون افراد مثل خودم را زیاد می‌دیدم (علی، ۲۲ ساله، کارشناسی مهندسی کشاورزی).

"هم‌شکلی" یکی از عواملی است که باعث خنثی‌شدن اثر تعارض‌ها می‌شود. در یک ضرب‌المثل عربی آمده: «اذا عامت البلیه طابت»؛ یعنی بلا وقتی عمومی شود درمان خواهد شد. به عبارتی، اثر ناگوار آن از بین خواهد رفت و فرد به وضعیت جدید خود عادت خواهد کرد.

ب) فضای دانشگاه

منظور از فضای دانشگاه، پیش‌فرض عامی است که در بین دانشجویان دربارهٔ افراد مذهبی وجود دارد. این پیش‌فرض معمولاً مثبت نیست، هرچند این نگرش منفی ممکن است نتیجهٔ عملکرد نامناسب برخی از افراد و "سرایت اجتماعی" این پیش‌فرض به دیگران و تشکیل باورهای ثابت و قالبی باشد.

پیش‌فرض علمی‌بودن فضای دانشگاه و ضرورت کنش‌های علم‌ورزانهٔ دانشجویان و ضرورت "فراغت علم از ارزش" و نیز تقلیل کنش دینی به کنش ایدئولوژیک و ارزشی، عامل دیگری برای کم‌رنگ‌شدن مشروعیت هنجارهای دینی در افراد است.

همان نگرشی که توی جامعه نسبت به افراد مذهبی وجود دارد توی دانشگاه هم هست. افراد مذهبی آدم‌هایی خشکه‌مقدس‌اند که می‌خواهند به‌زور مردم را دین‌دار کنند. دین جلوی روشنفکری را می‌گیرد. روشنفکر معمولاً فردی آزاداندیش است و به دیدهٔ انتقاد به مسائل جامعهٔ خودش نگاه می‌کند. اما دین عرصهٔ قبول بی‌چون‌وچرای دستورات است. روی همین حساب، دین‌داری و روشنفکری یک‌جا جمع نمی‌شوند (زینب، ۲۲ ساله، کارشناسی کامپیوتر).

ج) رشته و مقطع تحصیلی (فضیلت‌زدایی از دین)

ماهیت و مواد درسی برخی از رشته‌های دانشگاهی به‌گونه‌ای است که دانشجویان را متعصب مذهبی یا بی‌اعتنا باری آورد.

رشتهٔ تحصیلی‌ام توی نگرش نسبت به دین و مذهب خیلی تأثیر داشت. اینکه هیچ پاسخی را بدون استدلال قبول نکنیم. اینکه مسائل متافیزیکی قابل بررسی نیستند و نمی‌توان با روش‌های تحقیق علمی آنها را بررسی کرد (محسن، ۲۶ ساله، کارشناسی ارشد مدیریت).

هر قدر که مقطع تحصیلی دانشجویان بالاتر می‌رود، گرایش دانشجویان نیز تغییر می‌کند. نیوکمب نیز نشان داده است قدرت جامعه دانشگاهی در تغییر نگرش و گرایش دانشجویان است، به نحوی که دانشجویان سال آخر لیبرال‌تر از سال‌اولی‌ها هستند (طالبان، ۱۳۷۸).

د) فضای جامعه

معرفی خدا به منزله "خدای ایدئولوژیک" و "خدای مناسک‌محور" به جامعه، از سوی کارگزاران دین، و تقلیل ابعاد دین به بُعد مناسکی، سبب کم‌میلی جوانان به دین و گاه باعث "بازتولید ریا" شده است. ریا در ساحت بیرونی و سنجش‌پذیر دین اتفاق می‌افتد و مناسک بُعد بیرونی و تجلی ظاهری دین است. از سوی دیگر، عملکرد نامناسب کارگزاران دولت در حکومت دینی به نهاد دین تقلیل داده می‌شود. وجود مشکلات پرشمار اقتصادی نظیر گرانی، تورم، بیکاری و... در جامعه به پای دین نوشته می‌شود و سبب کاهش تقاضا برای این متاع خواهد شد، خصوصاً در بین کسانی که دانش مذهبی آنان به بینش مبدل نشده است:

احساس می‌کنم به دین خیلی دارند شاخ‌وبرگ اضافه می‌کنند. از خدا چیزی ساخته‌اند که فقط بلد است آدم‌ها را عذاب بدهد. مثلاً الان خیلی از جوان‌ها از خدا می‌ترسند، در صورتی که خدا این نیست که معرفی کرده‌اند. توی مصاحبه‌های گزینشی به احکام گیر می‌دهند، بر این اساس مجبوریم که این احکام را زورکی هم شده یاد بگیریم و خودمان را توی برنامه‌های مذهبی آفتابی کنیم (ساسان، ۲۳ ساله، کارشناسی عمران).

ه) شغل پدر

برخی از مشاغل به‌نحوی با تجلی دینی هم‌ارزند؛ به عبارتی، شاغلان در این مشاغل نمود دین به‌شمار می‌روند و برای حفظ الزامات نقش، خانواده را با ترجیحات مذهبی خود هم‌سو می‌کنند، نظیر پاسداربودن و... .

پدرم پاسدار بود. روی همین حساب روی نمازخواندن و انجام فرایض ما حساس بود و می‌گفت زشت است که بچه یک پاسدار نمازخوان نباشد (یاسین، ۲۵ ساله، کارشناسی ارشد الهیات).

۴) عوامل مداخله‌گر

الف) عملکرد تشکل‌های مذهبی

عضو بودن در تشکل‌های دانشجویی مذهبی یکی از عوامل دخیل به‌شمار می‌رود. دانشجویان با پیش‌فرضی علمی وارد این تشکل‌ها می‌شوند، اما پس از مدتی، فضای جزم‌اندیشی حاکم بر تشکل‌ها آنان را ناامید می‌کند و به قول خودشان: «توی ذوقشان می‌خورد». حاکم نبودن فضای نقد و

تک‌صدایی شدن تشکلهای بر شتاب کاهش مشروعیت هنجارهای دینی می‌افزاید. این کاهش مشروعیت در عملکرد نامناسب تشکلهای مذهبی خود را بیشتر نشان می‌دهد:

من اعتقادی به این‌جور تشکلهای ندارم؛ زیرا هر تشکلی در اعتقادش افراط می‌کند و من از افراط بیزارم. می‌خواهند همه مثل خودشان فکر کنند و عمل کنند. بعضی‌ها هستند تعصبات دینی دارند و متأسفانه این تعصب اصلاً خوب نیست و در دین باید میانه‌رو بود و تعصب بیش‌ازحد زیاد خوب نیست و باعث می‌شود واقعیت‌ها درست نشان داده نشود. این تعصبات باعث شده که تشکلهای افراد را به خودی و غیرخودی تقسیم کنند و همین، دلزدگی از هرچه آدم دین‌دار است ایجاد می‌کند (فرشته، ۲۷ ساله، دکتری زبان انگلیسی).

فقر منابع معرفتی و فقدان برنامه‌ریزی دقیق برای کیفیت‌بخشیدن به فعالیت‌ها، به کاهش مشروعیت تشکلهای مذهبی منجر شده است.

ب) ناکامی

ناکامی دانشجویان جنبه‌های مختلفی دارد که بارزترین آنها شکست عشقی و گاه به تبعیت از آن شکست تحصیلی است. جو مختلط دانشگاه و دورماندن از نظارت خانواده (احساس رهاشدگی) فرصت دوست‌یابی را برای دانشجویان مهیا می‌کند. کنش‌های شدید عاطفی فرصت تعقل و اندیشیدن را از آنان می‌گیرد و گاه مرتکب تصمیم‌های اشتباهی می‌شوند که هزینه‌های جسمی و روانی زیادی را متوجه آنان می‌کند.

توی ترم دوم عاشق یکی از پسرهای هم‌کلاسی خودم شدم. اما بعد از اینکه با هم بودیم، دنبال بهانه بود که جدا شویم و مرا ترک کرد. از خدا خواستم که هم کم‌کم کند و هم انتقامم را ازش بگیرد، اما مثل اینکه خدا اصلاً حرف‌هایم را نمی‌شنید. این‌همه مدت نماز می‌خواندم، اما گویا هیچ فایده‌ای نداشت (صدیقه، ۲۲ ساله، کارشناسی اقتصاد).

انتظار زنان از دین برای حل مشکلات بیشتر از مردان است؛ بنابراین، در صورت برآورده‌نشدن حاجت‌ها، احتمال اعراض آنها از مذهب بیشتر است. ازسوی دیگر، زنان در روابط عاطفی و عاشقانه آسیب‌پذیرتر از مردان‌اند و همین باعث می‌شود عامل ناکامی عاطفی در زنان بیش از مردان زمینه‌ساز بی‌هنجاری دینی باشد.

شکست عاطفی ناشی از خیانت یکی از طرفین رابطه عاطفی (خصوصاً اگر فرد صبغه مذهبی داشته باشد)، التجا بردن به مذهب و پاسخ‌نشدن ممکن است ضربات مهلکی بر باورهای مذهبی افراد وارد کند.

عاشق یکی از پسرهای دانشگاه شدم که ظاهراً فردی مذهبی بود، اما بعداً دانستم که با دونفر دیگر از دوستانم رابطه دارد. این عشق ضربدری خیلی ناراحت و عصبانی‌ام

کرد و باعث شد از هرچه مرد مذهبی است بدم بیاید (الناز، ۲۳ ساله، کارشناسی حقوق).

نوع دیگر ناکامی به مشکلات شخصی و برآورده‌نشدن حاجت‌ها مربوط است.

من آدمی‌ام که خیلی سریع کم می‌آورم. مشکلی برایم پیش می‌آمد از اولین کسی که کمک می‌خواستم خدا بود، چون کسی نبود کمکم کند. گفتم خدا می‌تواند کمک کند، ولی خدا نتوانست کمک کند. گفتم بی‌خیالش. وقتی می‌گویند خدا از رگ گردن به ما نزدیک‌تر است و بعدش نمی‌تواند کاری برایمان بکند و اسم این اجابت‌نکردنش را می‌گذارد مصلحت و حکمت، نمی‌خواهم. خدایی‌اش برای خودش (فرزاد، ۲۱ ساله، کارشناسی روان‌شناسی).

ج) زندگی دشوار

دشوار به وضعیتی نظیر فقر اقتصادی و مقایسه وضع خود با افراد مرفه و تقلیل نابرابری‌های طبقاتی به بی‌عدالتی نظام آفرینش اطلاق می‌شود.

به‌نظرم خدا آمده از اول همه‌چیز را ناعادلانه خلق کرده، یکی را زیبا خلق کرده، یکی را زشت. همه‌چیز را مثل هم درست نکرده. خدا این‌همه ظلم و بی‌عدالتی را توی دنیا می‌بیند و ساکت نشسته است. چرا باید وضع اقتصادی ما این‌قدر بد باشد (سعید، ۲۰ ساله، کارشناسی علوم اجتماعی).

دشواری معیشتی یکی دیگر از عوامل روی‌گردانی از مناسک است. برخی از مشارکت‌کنندگان به‌دلیل دشواری کار روی زمین کشاورزی و گرمای هوا، امکان روزه‌گرفتن ندارند. حتی گاه فرصت نمازخواندن نیز پیدا نمی‌کنند. خستگی مفرط باعث قضا شدن نمازهای صبح می‌شود. تراکم نمازهای قضا شده و ادا نکردن به‌موقع آنها فرد را دچار یأس می‌کند، نظیر دانشجویی که در طول ترم تکالیف خود را انجام نداده است و شب امتحان با حجم عظیمی از مطالب و فرصت محدود زمانی مواجه می‌شود؛ بنابراین، یگانه‌چاره او بستن کتاب و تسلیم‌شدن است. در چنین وضعیتی، تأیید روانی و توجیه ممکن است آرامش‌بخش واقع شود. التجا به گونه‌های شخصی دین‌داری و دین‌داری‌های اخلاق‌محور، که مناسک‌محور نیستند، راه‌گریز از سرزنش‌های دین‌داری فقهاتی است. نظام ترجیحات فرد نیز، که تکوین‌کننده سلیقه اوست، بر تقدم ترجیحات ذوقی و قومی بر ترجیحات مذهبی تأکید خواهد کرد.

د) مسکوت‌گذاشتن صدای دین

مسکوت‌گذاشتن صدای دین نوعی خنثی‌سازی برای رفع تعارض‌هاست. برخی افراد می‌توانند با تعارض‌ها کنار بیایند؛ بنابراین، سنخ دین‌داری متعارض یا بی‌شکلی دینی را انتخاب می‌کنند، اما برخی دیگر نمی‌توانند با این تعارض‌ها کنار بیایند؛ به‌عبارت دیگر، نمی‌توانند هم نماز بخوانند و هم

رابطه جنسی خارج از شرع داشته باشند؛ از این رو، با ترک مناسک، خود را از این وضعیت نجات می‌دهند.

بی‌اعتقادی به مناسکی مانند غسل واجب نیز نوعی فرار از کارکرد نظارت اجتماعی دین است؛ زیرا غسل یادآور گناه فرد است. از سوی دیگر، غسل کردن زمان بر است و با موقعیت برخی افراد سازگاری ندارد.

فکر غسل کردن همیشه مثل یک علامت هشدار جلو چشم ظاهر می‌شد و مرا یاد گناه می‌انداخت. از طرفی، فشار غریزه جنسی قوی‌تر از آن عمل می‌کرد. به همین خاطر، قید غسل کردن و هرچیزی را که مرا یاد اثر گناه بیندازد زدم (ارسلان، ۲۷ ساله، دکتری شیمی).

۵) راهبردها

کاهش مشروعیت هنجاری دینی و مذهبی در فرآیند بی‌هنجاری دینی، و هنجارآفرینی‌های جدید دینی یا اخلاقی فردی، به پیدایش گونه‌هایی از دین‌داری منجر می‌شود که با دین‌داری معیار تفاوت فراوانی دارد. مهم‌ترین واکنش دینی افراد به این وضعیت، التجا بردن به نوعی از دین‌داری به نام "دین‌داری خودمرجع" است. دین‌داری افراد در این سنخ، به امری شخصی، غیرالزام‌آور، خصوصی، سلیقه‌ای، گزینشی، مبتنی بر تعقل و خرد فردی و همراه با نپذیرفتن دگرسالاری نهادهای دینی تبدیل شده است و به سمت امری اقتضائی و لذت‌گرایانه سیر می‌کند (حسن‌پور و معمار، ۱۳۹۴).

۶) پیامدها^۱

بی‌هنجاری دینی وضعیتی را پدید می‌آورد که در آن حتمیت‌های دین‌داری شریعت‌محور، که تکلیف‌گراست، از بین می‌رود و فرصت التجای فرد را به گونه‌های مختلف دین‌داری، که با تساهل و تسامح آمیخته‌اند، فراهم می‌کند. در چنین اوضاعی، خنثی‌سازی به‌منزله قاعده رفتار پذیرفته می‌شود و دین‌داری خودمرجع به‌مثابه دین‌داری معیار می‌شود.

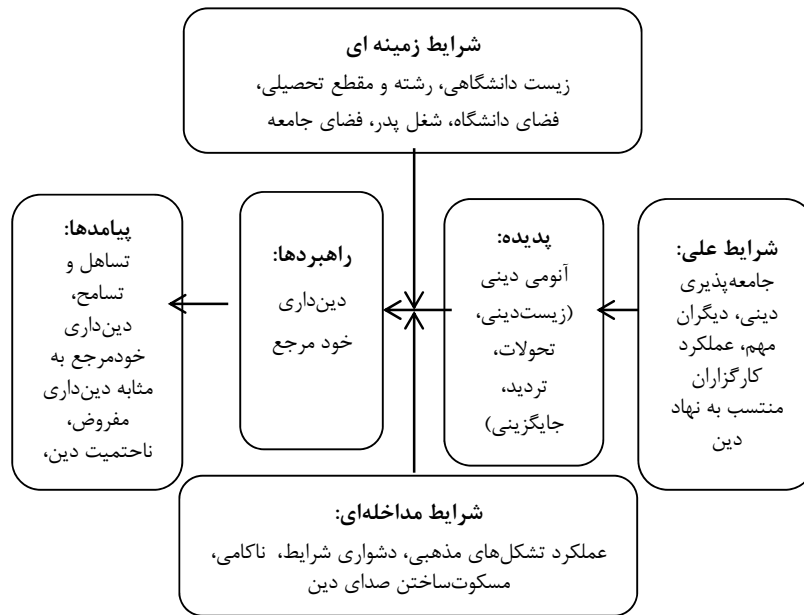
جدول ۲. نمونه‌ای از کدگذاری سه‌گانه

مقوله کانونی	مقوله	زیر مقوله	مفهوم
بی‌هنجاری دینی	جهانی‌شدن و تجدد	بهره‌گیری از رسانه‌ها	استفاده گسترده از رسانه‌ها
			عضویت در شبکه‌های اجتماعی
		اثرها	فروپاشی قطعیت‌ها
			دگرگونی ترجیحات

1 Consequence

مفهوم	زیر مقوله	مقوله	مقوله کانونی
بازاندیشی در ارزش‌ها			
مناسک‌محوری خانواده	تقلیل دین به مناسک	جامعه‌پذیری دینی پیش از ورود	
مناسک‌محوری خویشاوندان			
مناسک‌محوری مدرسه	دین‌داری تقلیدی		
اجبار در تعالیم دینی			
دین‌داری شناسنامه‌ای			
تردیدافکنی دوستان دانشگاهی	تردید و ترغیب دیگران مهم	دیگران مهم	
ترغیبات دینی خویشاوندان			
روحانیان	کارگزاران سطوح اول	عملکرد کارگزاران خاص نهاد دین	
مداحان	کارگزاران سطوح میانی		
مصاحبه‌گران گزینش	کارگزاران سطوح خرد		
استادان معارف			
مقامات اداری			
مقامات لشکری			
رهاشده‌گی	سبک زندگی خوابگاهی	زیست دانشجویی	
تصورات قالبی			
هم‌شکلی	فضای دانشگاه		
سرایت اجتماعی			
پیش‌فرض فراغت علم از ارزش	رشته تحصیلی		
تقلیل دین به ایدئولوژی			
دعوت به تعقل به‌جای تعبد	مقطع تحصیلی		
دعوت به نقد متافیزیک			
لیبرال‌شدن در ترم‌های بالا			
معرفی نامناسب خدا (خدای منتقم)	تبلیغ نامناسب دین	فضای جامعه	
ارائه کالای نامرغوب دین	بازتولید ریا		
مناسک‌محوری	تحقق نقش محول دینی در خانواده	شغل پدر	
پاسدار			
مداح			
حراست اداره			
کارمند گزینش			
کارمند ادارات مذهبی مثل سازمان تبلیغات و...			
معلم دینی			

مفهوم	زیر مقوله	مقوله	مقوله کانونی
معتمد محل			
تقلیل دین به مناسک بی‌برنامگی	سیاست‌گذاری فرهنگی	عملکرد تشکل‌های دانشجویی	
تقسیم افراد به خودی و غیر خودی گفتمان تک‌صدایی	مرزبندی‌ها		
شکست تحصیلی شکست عاطفی	شکست‌ها	ناکامی	
مشکلات خانوادگی مشکلات شخصی	مشکلات		
زندگی کشاورزی زندگی دام‌داری زندگی کارگری	وضعیت معیشت و ذهنیت بی‌عدالتی	دشواری زندگی	
تراکم مناسک قضا شده از بد حادثه به پناه آمدن دانشگاه	ناامیدی از قضای امر واجب بی‌علاقگی به رشته		
ارتباط با جنس مخالف نوشیدن مشروبات خروج از حدود کنار گذاشتن مناسک	خروج از حدود الهی خنثی‌سازی	مسکوت گذاشتن صدای دین	
شخصی شدن دین سلیقه‌ای شدن دین اقتضائی شدن دین ذوقی شدن دین کاهش الزام‌آوری دین ابتنای دین بر خردورزی فردی کاهش مشروعیت نهادهای دین	دین‌داری خود مرجع		
تسامح و تساهل در دین دین‌داری کارناوالی	نفی حتمیت	خنثی‌سازی به مثابه هنجار	



نمودار ۲. مدل پارادایمی بی‌هنجاری دینی

بحث و نتیجه‌گیری

تحول‌ها و دگرگونی‌های اجتماعی، به تعبیر دورکیم و بسیاری از جامعه‌شناسان، منشأ تغییرات اساسی در کنش افراد و ساختارهای جامعه است. بی‌هنجاری نیز یکی از پیامدهای تحول سریع اجتماعی است که نظام هنجاری افراد را نشانه می‌رود. دورکیم این پدیده را در سطح کلان و مرتون در سطح خرد بررسی کرده‌اند.

جامعه‌شناسی دورکیم غالباً بر ساختار هنجاری جامعه متمرکز است. زمانی که دورکیم از پدیده اجتماعی، نیروی اجتماعی یا واقعیت اجتماعی بحث می‌کند، غالباً منظور او متوجه واقعیت اجتماعی ساختار هنجاری جامعه است (چلبی، ۱۳۷۵: ۱۰۷). از نظر دورکیم، بی‌هنجاری، به منزله وضعیتی فرهنگی، به حالتی اطلاق می‌شود که در آن، هنجارها، به مثابه قواعد تنظیم‌کننده رفتار و جاه‌طلبی‌های افراد، مشروعیت نظارتی خود را از دست می‌دهند (لی، ۱۹۸۱: ۲۹).

فرآیند جهانی‌شدن، که مهم‌ترین ابزار آن گسترش رسانه‌های متعدد است، به خلق معانی و هنجارهای جدید در نهاد دانشجویان مبادرت کرده است. این معانی نظام معنایی و هنجاری

دانشجویان را دست‌خوش دگرگونی کرده است. دین نیز، به‌تعبیر برگر، به‌منزله‌عامل نظم معنی‌دار در جامعه (غیاثوند و آزادارمکی، ۱۳۸۱)، از این تحول‌ها برکنار نمی‌ماند.

ترنر (۲۰۰۷) معتقد است با پیدایش فناوری جدید اطلاعات، فرآیند تولید اقتدار سیاسی و مذهبی عوض شده است. جامعه اطلاعاتی به‌سادگی کنترل‌پذیر نیست، چون در چنین جامعه‌ای دولت‌ها نمی‌توانند بر جریان اطلاعات در تلویزیون، روزنامه‌ها، پیام‌های متنی یا اینترنت کنترل اعمال کنند. از سوی دیگر، رهبران مذهبی سنتی نیز، که به اعمال کنترل بر محتوای پیام‌های رسانه‌ای مایل‌اند، قادر به اعمال نقش کنترلی نیستند (رضایی، ۱۳۹۴: ۱۰۴-۱۰۵). در چنین وضعیتی، کاهش مشروعیت هنجارها و ارزش‌های اخلاقی در جامعه نیز ممکن است به پدیده شکست اخلاقی منجر شود «و آن وقتی است که گروه‌های اجتماعی به این نتیجه برسند که اخلاق خوب است و زیباست، اما به درد نمی‌خورد و کارایی ندارد و در عمل نمی‌توان آن را به کار بست و چندان نتیجه گرفت. این به‌معنای نابودشدن امید اخلاقی یک جامعه است» (فراسخواه، ۱۳۹۵: ۲۵۷). دیگر آنکه هنجارهای دینی مشروعیت خود را از دست می‌دهند و جای خود را به هنجارهای اقتضائی افراد می‌دهند و زمینه‌های بروز بی‌هنجاری دینی فراهم می‌شود.

یافته‌های مقاله حاضر مبین نوعی شکست اخلاقی و بی‌هنجاری دینی در بین گروهی از دانشجویان است. آنان به‌شدت از رسانه‌های ارتباط جمعی متأثر و معترف‌اند که دین ساحت تعارض‌هاست و جواب‌گوی نیازها و خواسته‌های آنان نیست و باید راهی بدون واسطه جست و این راه نوعی دین‌داری خودمرجع است.

پدیده بی‌هنجاری دینی خلق‌الساعه نیست، بلکه برآیند دگرپرسی یا جایگزینی هنجارهای دینی است. افراد، پیش از ورود به دانشگاه، در معرض فرآیند جامعه‌پذیری دینی قرار داشته‌اند، اما این فرآیند بیشتر ناظر بر تقلیل دین به بُعد مناسک یا اجبار والدین در مناسک‌گرایی فرزندان‌شان است. دورکیم نیز معتقد بود که پدیده‌های دینی به دو مقوله باورها و مناسک تقسیم می‌شوند (اخوان‌نبوی، ۱۳۹۴: ۱۵۲). مناسک جلوه بیرونی دین است و احتمال فروپاشی چنین دین‌داری وجود دارد. «در یک نظام الهیاتی همیشه فرسایش بیرونی‌ترین عناصر آسان‌تر صورت می‌گیرد؛ زیرا رابطه آن با محیط بیشتر است و تغییرات محیطی بر آن تأثیرگذارتر است. با این‌همه، کاملاً ممکن است که محتواها و عناصر درونی‌تر تغییر کنند، ولی عناصر بیرونی با آنها سازگار شوند» (محدثی، ۱۳۹۱: ۱۸۸).

دوستان دانشگاهی، در جایگاه دیگران مهم، در تردیدافکنی درباب التزام دینی فرد بسیار تأثیرگذارند. سادرلند اعتقاد دارد ناهم‌نوایی حاصل فرآیند یادگیری اجتماعی است که از طریق معاشرت با افراد ناهم‌نوا محقق می‌شود. معاشرت از نظر مدت، اولویت‌داشتن و میزان صمیمیت متفاوت است. هر قدر میزان صمیمیت بیشتر باشد، احتمال ناهم‌نوایی افراد بیشتر خواهد شد. فرد

در خوابگاه، رفیق گرمابه و گلستان دیگران مهمی است که او را از باورهای دینی دور می‌کنند. او شبانه‌روز با این افراد معاشرت دارد و این رابطه‌ها عمیق هم هست.

عملکرد نامناسب کارگزاران مذهبی (روحانیان، مداحان، مدرسان معارف، مصاحبه‌گران گزینش و...) در ایجاد ذهنیت منفی درباب دین تأثیرگذار است؛ زیرا مردم عملکرد کارگزار دین را به نهاد دین تقلیل می‌دهند. جعبه سیاه (مفروض و نقدناپذیر) تلقی کردن دین، مانع گسترش فرهنگ نقد در درس‌های عمومی معارف در دانشگاه شده است، درحالی‌که «برای رشد تفکر دینی احتیاج داریم متفکران در عرصه تفکر بتوانند دین و اعتقادات را نفی کنند، همان‌گونه که در دوران طلایی اسلام این‌چنین بود» (منصوری، ۱۳۸۹: ۳۳-۳۴). در اجتماع علمی و دانشگاهی نقد تابع "نظم دموکراتیک" است و منتقد باید بپذیرد که طرف نقدش از حق مساوی برای انتقاد برخوردار است و می‌تواند از خود دفاع کند و در صورت دفاع آسیبی به حیات اجتماعی‌اش وارد نمی‌شود. این مقوله را می‌توان "هنجار دموکراسی" در فرهنگ نقد نامید (فاضلی، ۱۳۸۷: ۱۷۲). این هنجار در فضای تشکل‌های دانشگاهی نیز رعایت نمی‌شود و در کنار بی‌برنامگی تشکل‌های مذهبی، زمینه روی‌گردانی از فعالیت‌های مذهبی را در دانشجویان مهیا می‌کند.

فضای دانشگاه و زیست دانشجویی سرشار از حس "رهاشده‌گی" از نظارت خانواده، "هم‌شکلی" و "هم‌نوایی" با "ناهم‌نوایان دینی"، "تصورات قالبی" و "سرایت اجتماعی" است که زمینه فراگیر شدن کاهش مشروعیت هنجارهای دینی و هنجارگزینی‌های جدید را فراهم می‌آورد. ذهنیت "فراغت علم از ارزش" و تقابل کنش علمی با دین‌ورزی و تقلیل کنش دینی به کنشی ایدئولوژیک و هم‌ارز قراردادن ایدئولوژی با جهت‌گیری سیاسی و متعصبانه بر شتاب پدیده بی‌هنجاری دینی در دانشگاه‌ها افزوده است.

شکست‌های عاطفی، تحصیلی و مشکلات خانوادگی و به‌طور کلی ناکامی‌ها افراد را به نهاد دین پیوند می‌دهد و استجاب‌نشدن دعاها روی‌گردانی از دین را به دنبال می‌آورد. گفتنی است، برخلاف نظریه "امنیت وجودی اینگلهارت"، فقر اقتصادی نه تنها سبب تقویت باورهای دینی در افراد نمی‌شود، بلکه عامل تردید آنان در عدالت نظام آفرینش و تردید در باورها نیز هست (ر.ک: اینگلهارت و نوریس، ۱۳۸۹: ۳۱۱).

روند تکوین بی‌هنجاری دینی در افراد از منطق انقلاب کوهنی پیروی کرده است؛ به عبارت دیگر، دین عادی در عرصه تحول‌های اجتماعی از پاسخگویی به نیازها و خواسته‌های نوپدید گروهی از دانشجویان بازمانده و دچار بحران مشروعیت شده است؛ از این رو، جای خود را به گونه‌ای اقتضائی از دین‌داری به نام دین‌داری خودمرجع داده است. افراد برای تحمل این وضعیت و رهایی از

تعارض‌های ناشی از بی‌هنجاری دینی، به دلیل انسی که پیش از این با دین داشتند، به خنثی‌سازی و انکار تعارض‌ها می‌پردازند. پیامد بی‌هنجاری دینی، نوعی رهاشدگی از الگوهای رسمی دین‌داری و پذیرش دین‌داری خودمرجع به‌مثابه دین‌داری معیار است.

منابع

- آزادارمکی، تقی و احمد غیاثوند (۱۳۸۱) «تحلیل جامعه‌شناختی وضعیت دین‌داری جوانان با رویکرد بی‌شکلی دین‌ورزی»، *پژوهش‌نامه علوم انسانی*، شماره ۳۵: ۱۱۷-۱۴۸.
- اخوان‌نبوی، قاسم (۱۳۹۴) *جامعه‌شناسی دین: مبادی و پیشینه*، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- ازکیا، مصطفی و علیرضا دربان آستانه (۱۳۸۲) *روش‌های کاربردی تحقیق*، جلد اول، تهران: کیهان.
- اسپیلکا، برنارد و همکاران (۱۳۹۰) *روان‌شناسی دین براساس رویکرد تجربی*، ترجمه محمد دهقانی، تهران: رشد.
- استرواس، انسلم و جولیت کوربین (۱۳۹۲) *مبانی پژوهش کیفی، فنون و مراحل تولید نظریه زمینه‌ای*، ترجمه ابراهیم افشار، تهران: نی.
- اینگلهارت، رونالد و پیپا نوریس (۱۳۸۹) *مقدس و عرفی: دین و سیاست در جهان*، ترجمه مریم وتر، تهران: کویر.
- پترسون، مایکل و همکاران (۱۳۸۹) *عقل و اعتقاد دینی: درآمدی بر فلسفه دین*، ترجمه احمد نراقی و ابراهیم سلطانی، تهران: طرح‌نو.
- تامسون، کنت و دیگران، (۱۳۹۵)، «دین و ساختار اجتماعی»، (ترجمه: محمد بهرامپور و حسن محدثی)، تهران: کویر.
- چالمرز، آلن اف (۱۳۸۹) *چیستی علم: درآمدی بر مکاتب علم‌شناسی فلسفی*، تهران: سمت.
- چلبی، مسعود، (۱۳۷۵)، «جامعه‌شناسی نظم؛ تشریح و تحلیل نظری نظم اجتماعی»، تهران: نی.
- حسن‌پور، آرش و ثریا معمار (۱۳۹۴) «مطالعه وضعیت دین‌ورزی جوانان با تأکید بر دین‌داری خودمرجع (ارائه یک نظریه زمینه‌ای)»، *تحقیقات فرهنگی ایران*، دوره هشتم، شماره ۳: ۹۹-۱۳۱.
- خدایاری‌فرد، محمد و همکاران (۱۳۹۱) *مبانی نظری و روش‌شناسی مقیاس‌های دین‌داری (به‌انضمام پرسش‌نامه‌های دین‌داری)*، تهران: آوای نور.
- رجب‌زاده، احمد و مسعود کوثری (۱۳۸۱) «آنومی سیاسی در اندیشه دورکیم»، *علوم اجتماعی و انسانی دانشگاه شیراز*، دوره نوزدهم، شماره ۱: ۳۱-۴۵.
- رضایی، محمد (۱۳۹۴) *شکاف‌های جامعه ایرانی*، تهران: آگاه.
- سام‌دلیری، کاظم (۱۳۹۴) «انواع دین‌داری و روحانیت (بررسی تأثیر نوع دین‌داری بر تبعیت از روحانیون)»، *شیعه‌شناسی*، سال سیزدهم، شماره ۵۲: ۵۳-۸۳.
- سراج‌زاده، حسین (۱۳۸۳) «دین‌داری نسل‌های قدیم و جدید»، *فرهنگ و پژوهش*، ۳ شهریور، شماره ۱۵۸: ۱۰-۱۱.

سردار، ضیاء‌الدین و جمال آل احمد (۱۳۸۵) *توماس کوهن و جنگ‌های علم، تهران: چشمه*.
شریف‌زاده، رحمان (۱۳۹۱) «قیاس‌ناپذیری و مسئله تعارض پارادایم‌های علمی؛ پیشنهاد یک نظریه سمانتیکی»، *فلسفه علم*، سال دوم، شماره ۱ (پیاپی ۳): ۶۹-۹۱.
شیخاوندی، داور (۱۳۷۹) *جامعه‌شناسی انحرافات و مسائل جامعه‌ی، مشهد: مرن‌دیز*.
صدیق‌سروستانی، غلامرضا (۱۳۸۶) *آسیب‌شناسی اجتماعی (جامعه‌شناسی انحرافات اجتماعی)*، تهران: سمت.
طالبان، محمدرضا (۱۳۷۸) «خانواده، دانشگاه و جامعه‌پذیری مذهبی»، *نامه علوم اجتماعی*، شماره ۱۳: ۲۷-۵۴.

عظیم‌مزرگی، مهدی (۱۳۹۱) بررسی وضعیت عرفی‌شدن دانشجویان و برخی عوامل زمینه‌ای مرتبط با آن (مطالعه موردی: دانشجویان دانشگاه تبریز)، دانشگاه تبریز، دانشکده علوم انسانی و اجتماعی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته‌ی جامعه‌شناسی.
غلامی‌زاده، شیرین (۱۳۸۵) *دین‌داری موازی، مطالعه دلایل جامعه‌شناسانه پیدایش آن*، دانشگاه الزهراء، دانشکده علوم اجتماعی و اقتصادی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته‌ی جامعه‌شناسی.
غیاثوند، احمد و تقی آزادارمکی (۱۳۸۱) «تحلیل جامعه‌شناختی وضعیت دین‌داری جوانان با رویکرد بی‌شکلی دین‌ورزی»، *شناخت*، شماره ۳۵: ۱۱۷-۱۴۸.
فاضلی، نعمت‌الله (۱۳۸۷) *فرهنگ و دانشگاه، تهران: ثالث*.
فراستخواه، مقصود (۱۳۹۱) «جمعیت جدید ایران با مسئله دین‌داری چه خواهد کرد»، *مهرنامه*، شماره ۲۴: ۱۹۵

فراستخواه، مقصود (۱۳۹۵) *ما ایرانیان؛ زمینه‌کاوی تاریخی و اجتماعی خلیفات ایرانی*، تهران: نی.
فراستخواه، مقصود (۱۳۹۶) *گاه و بی‌گاهی دانشگاه در ایران؛ مباحثی نو و انتقادی در باب دانشگاه پژوهی*، *مطالعات علم و آموزش عالی*، تهران: آگاه.
فراستخواه، مقصود (۱۳۸۶) «شمایی از دین‌ورزیدن جوانان طبقه متوسط جدید شهری»، در: <http://farasatkah.blogspot.com>، تاریخ دسترسی: آذرماه ۱۳۹۵.
فراستخواه، مقصود (۱۳۸۹) «فرا تحلیل تعداد ۵۶ تحقیق ایرانی در باب دین‌ورزی»، سخنرانی در همایش توسعه فرهنگی راهبردها و هشدارها، دانشگاه آزاد اسلامی واحد اراک، در: <http://farasatkah.blogspot.com>، تاریخ دسترسی: تیرماه ۱۳۹۵.
کوزر، لوئیس (۱۳۷۹) *زندگی و اندیشه بزرگان جامعه‌شناسی*، ترجمه محسن ثلاثی، تهران: علمی.
محدثی، حسن (۱۳۹۱) *جامعه‌شناسی دین: روایتی ایرانی*، تهران: یادآوران.
محسنی، منوچهر (۱۳۸۶) *جامعه‌شناسی انحرافات اجتماعی*، تهران: طهوری.
ملکیان، مصطفی (۱۳۸۱) «تأثیرات اجتماعی فهم نادرست از دین»، *بازتاب اندیشه*، شماره ۲۹: ۷-۲۰.
منصوری، رضا (۱۳۸۹) *توسعه علمی ایران*، تهران: اطلاعات.

- موسوی، سیدنجم‌الدین، علی شریعت‌نژاد و محسن عارف‌نژاد (۱۳۹۵) «شناسایی و اولویت‌بندی عوامل ایجادکننده آنومی سازمانی در سازمان‌های دولتی با استفاده از فن دلفی فازی»، مدیریت سازمان‌های دولتی، سال چهارم، شماره ۱۶: ۱۲۹-۱۴۲.
- میرزایی، خلیل، (۱۳۹۳)، «فرهنگ توصیفی علوم اجتماعی»، تهران: فوزان.
- میرسندسی، محمد (۱۳۸۴) مطالعه میزان و انواع دین‌داری دانشجویان، رساله دکتری جامعه‌شناسی، دانشگاه تربیت مدرس.
- میرسندسی، محمد (۱۳۹۰) مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی دین و انواع دین‌داری، تهران: جامعه‌شناسان.
- نجاتی‌حسینی، سید محمود (۱۳۹۴) «معنویت‌های جدید (دربارۀ واقعیت اجتماعی نو دین‌داری)»، مطالعات اجتماعی دین، سال سوم، شماره ۴: ۳۱-۳۸.
- واحدی، نجمه (۱۳۹۵) سنخ‌شناسی انواع دین‌داری براساس نگرش به مدرنیته، پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد جامعه‌شناسی، دانشگاه الزهرا.
- هاشمی، سیدضیاء و سارا شریفی‌یزدی (۱۳۹۵) «فهم تجربه زیسته دانشجویان غیرمذهبی از طرد و پذیرش (مورد مطالعه: دانشجویان کارشناسی‌ارشد رشته‌های علوم اجتماعی دانشگاه تهران و دانشگاه علامه طباطبائی)»، بررسی مسائل اجتماعی ایران، دوره هفتم، شماره ۱: ۱۵۵-۱۷۸.
- Coleman, C. (2014). *Anomie: Concept, Theory, Research Promise*. Oberlin College Sociology Department Senior Honors Thesis, April Emory University PH.D. 1981. University Microfilms International 300 N. Zeeb Road, Ann Arbor, MI 48106
- Eric, M. Carter & Michael, V. Carter. (2014). "Anomia, Deviance, and the Religious Factor: Data from 104 NFL players". *Journal of sociology and social work*, Vol. 2, No. 2, pp. 135 -144
- Dressler, D., and al. *sociology*, A.A. Knope, New Yourk, 1976, p . 182-183
- Gill, A. (1999). "Government Regulation Social Anomie and Protestant Growth in Latin a Cross – National Analysis" . *Rationality and Society* , Vol. 11(3): 287–316.
- Glock, C., & Stark, R. (1965). "Religion and society in tension.Chicago": Rand McNally.
- Hadaway, K.C., Elifson, K.W., & Peterson, D.M. (1984). Religious involvement and drug use among urban adolescents. *Journal for the Scientific Study of Religion*, 23, 109-128.
- Lee, W on Gue, L. (1981). *Religion and Integration: Religious Commitment as Related to Anomie and Life Satisfaction*. Methodist Theological Seminary, Seoul, Korea, Emory University. Adviser: Earl D. C. Brewer, Ph.D. A Dissertation submitted to the Faculty of the Graduate School of Emory University in partial fulfillment of the requirements of the degree of Doctor of Philosophy Department of Sociology of Religion Division of Religion

- Sismondo. S (2010). *An Introduction to Science and Technology Studie*.
Chichester, West-Sussex: Blackwell
- Turner, Bryan S., (2007), “Religious Authority and the New Media, Theory”,
Culture & Society, Vol. 24(2), pp: 117-134
- Zhao, R. (2010). “Social Change and Anomie: A Cross-National Study”. *Social Forces*, Volume 88, Number 3, March, pp. 1209-1229